

یکشنبه • ۲۳ شهریور ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۱۳ • ۷

|                                                           |                |  |
|-----------------------------------------------------------|----------------|--|
| <p><b>روزنامه</b></p>                                     |                |  |
| <p><b>جهان • اندیشه</b></p>                               |                |  |
| <p><b>هواي آلوده ما را ملزم به احتياط می‌کند</b></p>      | <b>صفحه ۸</b>  |  |
| <p><b>درباره «جامعه‌نمایش» گي دوبور</b></p>               | <b>صفحه ۸</b>  |  |
| <p><b>حضور در کلاس ۵۰۰ نفری «راز جذايت‌های زنانه»</b></p> | <b>صفحه ۱۰</b> |  |

| <div>نگاه</div>                                  |
|--------------------------------------------------|
| <div><b>تر کيه جديد دنبال چيست؟</b></div>        |
| <div><b>رضا مولت . کارشناس مسايل ترکيه</b></div> |

به دنبال سال‌ها برنامه‌ریزی و سازماندهی مشخص، اردوغان در ۲۸ آگوست بر تخت ریاست‌جمهوری نشست و با تغییراتی که در سیستم سیاسی ترکیه ایجاد خواهد کرد، بار دیگر در مقام قدرتمندترین شخصیت سیاسی ترکیه در کنار احمد داوودوگلو به‌طرح‌ریزی، اجرا و نظارت بر سیاست‌های کلان داخلی و خارجی خواهد پرداخت تا ترکیه را به اقی‌های چشم‌انداز ۲۰۲۳ نزدیک کند و مهر انامی بر نوین‌بودن ترکیه نوین بزند. شصت‌ودومین دولت ترکیه در حالی می‌خواهد آغاز به کار کند که برنامه برنام‌ه این دولت طبق گفته‌های رسمی مبتنی بر دموکراسی مشارکتی و حکومت قانونی، سه هدف اصلی را در دستور کار دارد:نخست ارایه سیاست خارجی غیرمغفلاته که «مولود چاووش اوغلو» سکان‌دار آن خواهد بود و دوم حل مساله کردی و تمرکز بر دوره گشایش جدیت ترکیه در این مساله به حدی است که می‌بینیم برای نخستین‌بار حل مساله کردی رسماً در برنامه حکومت قرار گرفت. سومین هدف، برنامه‌ریزی برای داشتن اقتصاد تولیدمحور و مبتنی بر استخدام نیروی کار است که در همین راستا ترکیه در نظر دارد بسا تکیه بر پایه‌های ارز، بورس و سود (ریا) را کم کند و با سیاست‌های تشویقی برای استخدام، مشکل بیکاری را در کشور حل کند. در کنار این اهداف اصلی، اردوغان به‌شخصه و از طریق داووداوغلو مبارزه با ساختار موازی را پیگیری می‌کند. این جدیت به حدی است که موج جدید دستگیری‌ها و پاکسازی و محاکمه جنیش فتح‌الله گولن آغاز شده است و اردوغان در نظر دارد در دیدار با ابواما خواهان تسلیم فتح‌الله گولن شود. هدف داخلی دیگر ترکیه، حذف نژادهای به‌جا مانده از سیستم ولایتی این کشور است که حزب عدالت و توسعه پیش‌تر گام‌های عمده‌ای را در این راستا به‌ویژه در حذف وصایت نظامی برداشته بود. اما مهم‌ترین اقدام حکومت جدید، ایجاد یک قانون اساسی جدید خواهد بود تا روح ترکیه جدید در آن متجلی شده باشد. در این واقعیت این است که هیچ کشور از انتخابات ۲۰۱۵ حزب حاکم نتواند آن را هماهنگی لازم را به دست آورد از انتخابات جدید با‌شعار «قانون اساسی جدید، ترکیه جدید» برای تحقق هدف خوداستقبال خواهد کرد.

در عرف جامعه بین‌المللی، زمانی یک کشور، سیاست خارجی موفق دارد که بتواند سهم همراهی با قدرت‌های بزرگ تعداد بیشتری از کشورنگار بین‌المللی را از خود بخشد.دوستان بود که هم‌کنون داووداوغلو آن را واحدی نمی‌تواند رضایت‌خاطر تمامی کشورنگران بین‌المللی را به دست آورد. از این‌رو، قرار گرفتن منافع ملی به‌عنوان چراغ راهنمای سیاست خارجی دارای عقلانیت کافی است.

نکته دیگر این است که ردپای داووداوغلو در سیاست خارجی این کشور همچنان آشکار خواهد بود. شاید بتوان گفت این یک برنامه‌ریزی بلندمدت حزب عدالت و توسعه اردوغان بود که هم‌کنون داووداوغلو آن را به‌عنوان کشنگری موثر و اصلی در سیاست خارجی، همچنان حفظ خواهد کرد. نگرش سیستماتیک داووداوغلو در کنار اعتقاد وی به اینکه سیاست داخلی کشورهای متوسطی چون ترکیه که دارای مشکلات داخلی هستند در تداوم سیاست خارجی موفق قابل حل است، نقش بیشتری به وی در مکاتیزم سیاست‌گذاری خواهد داد.

دو نکته اساسی در سیاست داخلی و خارجی ترکیه در ارتباط با هم قرار دارد: نخست محوریت مساله اسلام سنی و دوم محوریت جهان ترک. حزب حاکم عدالت و توسعه از یک سو می‌خواهد با ارایه تصویری اسلامی از خود رهبری جهان اسلام و مسايل مسلمان را به دست بگیرد و از سوی دیگر می‌خواهد ضمن ایفای نقش برادر بزرگتر در جهان ترک، تحاده‌یی بدبلی برای اروپایی که حاضر به چشم‌پوشی از آن نیست، داشته باشد. حضور رئیس‌جمهور ترکمنستان در مراسم تحلیف اردوغان و سفر رئیس‌جمهور فعلی به آذربایجان، دلالت‌هایی بر این ادعا است. این دو اصل بنیادی، بیشش بلندمدت سیاست خارجی ترکیه را تشکیل می‌دهد که ریشه در سیاست‌های نو عثمانی گرایانه و بیشش رهبران حاکم حزب عدالت و توسعه و رهبران مهمی چون رجب طیب‌ار دوغان و احمد داووداوغلو دارد. خراج از این محور، سیاست‌های ترکیه‌ای که به‌عنوان دولتی تاجر شناخته می‌شود، اقتصادمحور خواهد بود. برای نمونه، می‌توان به روابطش با ایران اشاره کرد که برای قرن‌ها جز در قالب کلان اقتصادی، هیچ معنای استراتژیکی نداشته است. این مهم در دوره حزب عدالت و توسعه دقیقاً از این مساله سرچشمه می‌گیرد که ایران، کشور مسلمان غیرسنی و فارس یعنی غیرترک است. از سوی دیگر ترکیه در سیاست خارجی، ادامه اصول و سیاست‌های کلی داووداوغلو و طرح و اجرای سیاست‌های مکمل را دنبال می‌کند. برای مثال، ترکیه در نظر دارد با همکاری با کنشگری ثلثی در مناطق ثالث به سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های جدید بپردازد. درست در سیاست‌هایی از این قبیل است که ایران می‌تواند در همکاری استراتژیک با ترکیه به نقش‌آفرینی بپردازد. ایران باید ترکیه را به این نتیجه برساند که اجرای هر پروژه منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن ایران یا همکاری نزدیک با آن، مقرون‌به‌صرفه یا ممکن نخواهد بود. این امر نیز با توجه به تفاوت‌های هویتی میان دو کشور و ارزش‌های محوری خاص، نیازمند ارایه مفهوم هویتی جامع است که ایران و ترکیه را زیر یک چتر قرار دهد.

ارایه تصاویر مشترک از منافع ملی و مشترک، می‌تواند گام دیگری برای اتحاد استراتژیک با ترکیه باشد. در شرایط کنونی ترکیه درصدد است تا از انزوای غرورآمیزی که ماه‌هاست در آن گرفتار شده، به شکلی که غرورش را خدش‌ه‌دار نکند، خارج شود. اوضاع در کشورهای همسایه مانند سوریه و عراق بحرانی است. روسیه، اروپا را به چالش کشیده است و به نظر می‌رسد ایران تنها کشور منطقه‌ای است که امنیت و ثبات درونی و مرزهای آن و ظرفیت عمده و جایگاه منطقه‌ای که دارد، می‌تواند ترکیه را یاری کند. ترکیه باید تصویری از ایران را که در بسیاری از حوزه‌ها برتری ایران بر آنها را نشان می‌دهد، ببیند تا اشتیاق درونی برای همکاری‌های استراتژیک و همه‌جانبه و نیز اتحادهای بلندمدت را داشته باشد.

یکشنبه • ۲۳ شهریور ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۱۳ • ۷

|                                                           |                |  |
|-----------------------------------------------------------|----------------|--|
| <p><b>روزنامه</b></p>                                     |                |  |
| <p><b>جهان • اندیشه</b></p>                               |                |  |
| <p><b>هواي آلوده ما را ملزم به احتياط می‌کند</b></p>      | <b>صفحه ۸</b>  |  |
| <p><b>درباره «جامعه‌نمایش» گي دوبور</b></p>               | <b>صفحه ۸</b>  |  |
| <p><b>حضور در کلاس ۵۰۰ نفری «راز جذايت‌های زنانه»</b></p> | <b>صفحه ۱۰</b> |  |

| <div>یادداشت</div>                                       |
|----------------------------------------------------------|
| <div><b>دولت فلسطینی، طرحی در آستانه شکست مجدد</b></div> |

با برقراری آتش‌بس در غزه، جنگ دیگری آغاز شده است. این‌بار اما سخن از حمله رژیم اسراییل به غزه نیست، بلکه این گروه‌های فلسطینی فتح و حماس هستند که شمشر را برای هم از روسته و یکدیگر را به کارشکنی در روند تشکیل دولت وحدت ملی متهم می‌کنند. به نوشته روزنامه دپلی تلگراف، محمود عباس، رییس تشکیلات خودگران فلسطین، که حماس را به تشکیل دولت در سایه در غزه متهم کرده با شعار «یک‌دولت، یک‌اسلحه، یک‌قانون» گفته است با ادامه شرایط فعلی، قادر به همکاری با این گروه نیست. حماس نیز عباس را به خرابکاری در توافقنامه صلح متهم کرده‌است. فوزی برهوم، سخنگوی حماس گفته عباس به‌دنبال تخریب دولت وحدت ملی است، بازیچه دست آمریکا و اسراییل شده و در راستای منافع آنها حرکت می‌کند. عباس تهدید کرده که دولت وحدت ملی را منحل می‌کند. گفته شده موسی ابومرزوق، یکی از رهبران حماس نیز با بیان اینکه دولت توافقی کنونی در حل‌وفصل مشکلات داخلی شکست‌خورده، خواهان تشکیل دولت وحدت ملی جدید شده است. جنگ فلسفی حماس و فتح درحالی هسته جاری ادامه یابد. براساس توافقی که در گروه در ماه آوریل داشتند، باید ظرف شش ماه انتخابات‌های دولت وحدت‌ملی برگزار شود، این درحالی است که براساس نظرسنجی‌ها اگر امروز این انتخابات برگزار شود اسماعیل هنیه، رهبر حماس، با کسب ۶۱درصد آرا پیروز انتخابات خواهد شد؛ سهم محمود عباس از مجموع آرای فلسطینی‌ها اما تنها ۲۲درصد خواهد بود. مساله‌ای که از نگاه حامیان حماس، می‌تواند یکی از دلایل عباس برای لغو مذاکرات و تمای تعهداتی باشد که در آوریل بر سر آن توافق شده بود.

هانی السبوس، کارشناس مسايل خاورمیانه، با اشاره به بالاگرفتن مجدد اختلاف‌ها میان گروه‌های فلسطینی، می‌گوید: «بظنر می‌رسد که محمود عباس خواستار اتحاد با حماس نیست، چراکه او به روش سیاسی معتقد است، که کاملاً در تضاد با این چیزی است که حماس به‌دنبال آن است. عباس معتقد به مذاکره است ولی حماس معتقد به مقاومت در برابر اشغال. بنابراین بر اعتقاد من دولت وحدت ملی که چند هفته‌ای ایجاد شد کاملاً از سوی محمود عباس در مقام رئیس حمایت نمی‌شود».

السبوس می‌گوید: «عباس تلاش دارد تا چنین القا کند از آنجایی که حماس گروهی تروریستی است، این‌س جامعه بین‌الملل است که با تشکیل دولت وحدت ملی با شرکت حماس مخالف است. او ادعا می‌کند که حماس در غزه، دولت در سایه تشکیل داده اما هر کسی که از نزدیک تحولات غزه را دنبال می‌کند، می‌داند که این مساله حقیقت ندارد. تاکنون هیچ‌یک از وزرای فلسطینی که در جریان باختری هستند، حتی به غزه نیامدانند تا شرایط فلسطینی‌های این منطقه را از نزدیک ببینید و به آنها کمک کنند. این به آن معنی است که محمود عباس و دولت او در کرانه باختری نمی‌خواهند مسوولیت هیچ چیزی را در غزه به عهده بگیرند. این درحالی است که شرایط زندگی برای فلسطینی‌ها پس از جنگ بسیار سخت و غیرقابل تحمل شده است. ما درباره تخریب بیش از دو هزار منزل مسکونی، زیرساخت‌ها و… صحبت می‌کنیم»



عکاس: محمد موزني، شرق

نماینده «جهاد اسلامی فلسطین» در تهران در گفت‌وگو با «شرق»:

# بیشتر موشک‌ها را خودمان تولید می‌کنیم

**یوسف رضازاده**

از سوی دیگر، باید به این مساله توجه کرد که کار انتقال موشک به داخل غزه کار بسیار پیچیده و هزینه‌آوری است و در بسیاری از موارد با موفقیت همراه نمی‌شود. بی‌شک انتقال مواد اولیه کار بسیار ساده‌تری است و در عین حال، برخی مواد نیز در داخل غزه وجود دارند. در مواقع سختی مانند زمان جنگ نیز ساخت موشک در داخل کمک زیادی به تداوم عملیات‌های نظامی می‌کند. بنابراین، بخش اعظم این موشک‌ها در حال حاضر در داخل نوار غزه تولید یا نمونه‌های آر تقایافته آنها ساخته می‌شوند.

**آیا آتش‌بسی که گروه‌های مقاومت اخیراً با اسراییل امضا کرده‌اند، شروط و خواسته‌های شما را برآورده می‌کند؟ چه تضمینی برای اجرای این توافق و عدم تکرار تجربه توافقات سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ وجود دارد؟**
واقعیت این است که خواسته‌های طرف فلسطینی مشروع و همان خواسته‌های حقوق‌پشری است، اما هدف اساسی جنگ با رژیم اشغالگر قدس، آزادسازی سرزمین است. با توجه به محاصره هشت‌ساله غزه خواسته‌های طرف فلسطینی، خواسته به‌حق ملت است. شاید می‌توانستیم این خواسته‌ها را از طریق مذاکره با رژیم صهیونیستی نیز محقق کنیم، اما مطمئناً این کار هزینه سنگینی داشت و باید قبول می‌کردیم که سرزمین فلسطین متعلق به این رژیم است؛ یعنی اسراییل قبل از اینکه چیزی به ما بدهد خواستار به رسمیت شناخته‌شدن خود و حتی فراتر از آن، به رسمیت شناخته‌شدن هویت یهودی خود است، اما ما هرگز چنین شرطی را قبول نمی‌کنیم.

اما درباره طرفداران مذاکرات و سازش که مدعی هستند با مذاکره می‌توانند دستاوردهایی را محقق کنند، باید بگوییم این دستاوردها دام و تله‌ای بیش نیست و رژیم صهیونیستی بدون دریافت امتیاز متقابل حتی اجازه واردکردن یک کیسه سیمان به داخل غزه را هم نمی‌دهد. این رژیم وقتی با مصر نیز توافق صلح امضا کرد، قبل از اینکه سبنا را به مصر دهد، همه مصر را گرفته بود و قبل از اینکه بخواهد بلندی‌های اشغالی جولان را به سوریه دهد، مطمئناً سراسر سوریه را به

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                   |                                                   |                                                   |                                                   |                                                   |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------|---------------------------------------------------|---------------------------------------------------|---------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| <div><div><span><span> </span></span></div></div>                                                                                                                                                                                                                                                                          | <div><div><span><span> </span></span></div></div> | <div><div><span><span> </span></span></div></div> | <div><div><span><span> </span></span></div></div> | <div><div><span><span> </span></span></div></div> | <div><div><span><span> </span></span></div></div> |
| <b>شاید می‌توانستیم آزادی فلسطین را از طریق مذاکره با رژیم صهیونیستی محقق کنیم، اما مطمئناً این کار هزینه سنگینی داشت و باید قبول می‌کردیم که سرزمین فلسطین متعلق به این رژیم است؛ یعنی اسراییل قبل از اینکه چیزی به ما بدهد خواستار به رسمیت شناخته‌شدن خود و حتی فراتر از آن، به رسمیت شناخته‌شدن هویت یهودی خود است</b> |                                                   |                                                   |                                                   |                                                   |                                                   |

تصرف خود در خواهد آورد و این معادله کلی حاکم بر توافقات رژیم صهیونیستی است. این رژیم قبل از اینکه اجازه تاسیس تشکیلات خودگردان از سوی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) را هم دهد، خواستار به‌رسمیت‌شناخته‌شدن موجودیت خود در ۸۰درصد از خاک فلسطین شده بود و الاً پس از گذشت چندین سال، تشکیلات خودگردان هیچ دستاوردی نداشته است و سراسر کرانه‌باختری به کانون شهرک‌سازی تبدیل شده و قدس نیز تقریباً به صورت کامل یهودی‌سازی‌شده است و همه اینها نتایج و ثبعت سازش است. اما ما از طریق مقاومت می‌خواهیم دستاوردهای بدون اعطای امتیاز متقابل را محقق کنیم؛ حتی اگر دستاوردهای جزئی باشند.

**مهم‌ترین دستاوردهای مقاومت در این جنگ چه بود؟**

واقعیت این است که در این جنگ خسارت‌های سنگینی به ما وارد شد و تنها حجم خسارت‌های مادی چندین میلیارد برآورد می‌شود و مهم‌تر از آن بیش از ۱۲هزار و ۵۰۰فلسطینی شهید یا مجروح شدند. اما این یک جنگ تمام‌عیار با دشمن تا بن دندان مسلح و قدرتمند است. این رژیم با راندازی جنگ سعی در بهبود وجهه خود در منطقه و حتی در داخل اسراییل داشت، اما متقابلاً هدف حمله قرار گرفت و خسارت‌های زیادی به جبهه داخلی آن وارد شد. البته باید به این مساله نیز اشاره کرد که رژیم صهیونیستی خود نیز در راستای پروژه غریبی وظایفی دارد و تمام امور در دست آن نیست، بلکه تنها نقش نوک پیکان و سنگر خط مقدم را ایفا می‌کند، اما امروز برای همگان روشن شده که این رژیم به سرباری برای آمریکا و غرب تبدیل شده است که هزینه‌های اخلاقی، سیاسی، مادی و نظامی برای آنها ایجاد می‌کند. در حال حاضر، وقتی نتایجهاو با رییس‌جمهور آمریکا صحبت می‌کنند؛ انگار با یکی از کارمندان دفترش صحبت می‌کند و بی‌شک، کاخ سفید بیش از آن او را تحمل نخواهد کرد و اگر آمریکا و کمک‌ها حمایت‌های آن نباشد، رژیم صهیونیستی حتی یک‌روز هم در منطقه دوام نمی‌آورد.

**روند فعالیت گذرگاه رفح، را چطور ارزیابی می‌کنید. آیا قرار است این گذرگاه و یاریکه غزه؛ زیر نظر تشکیلات خودگردان، فلسطین اداره شود یا مدیریت حماس؟**

بر اساس توافق آشتی ملی، دولت وحدت ملی تشکیل شده که مسوول اداره تمامی امور داخلی و خارجی فلسطین است. البته این دولت از آسمان نازل نشده و–

«ناصر ابوشریف» متولد سال ۱۹۶۶ در شهر «طولکرم» در کرانه‌باختری است و تا اواخر سال ۱۹۸۵ در زادگاهش زندگی می‌کرد و دوسال از تحصیلات دانشگاهی‌اش را در دانشکده علوم در دانشگاه «بیرزیت» سپری کرد. در اواخر همان سال به‌خاطر مشارکت در فعالیت‌های مقاومتی توسط اسراییل دستگیر و ۱۳سال را در زندان‌های اسراییل سپری کرد. پس از آزادی از زندان به اردن تبعید شد و سه‌سال در آنجا ماند. در اردن به تحصیل در رشته «فقه اسلامی» پرداخت و پس از آن به عراق تبعید شد و تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه اسلامی بغداد ادامه داد. در ادامه این مسیر پرفرازونشیب به‌مدت یک‌سال راهی سوریه و پس از آن به‌عنوان نماینده «جنبش جهاد اسلامی فلسطین» در ایران منصوب شد. پس از گذشت چندروز از پیروزی مقاومت فلسطین در جنگ «غزه» به دفتر جنبش جهاد اسلامی در محله «گیشا» رفتیم تا با پرسش‌های خود در جریان اوضاع داخلی فلسطین و گروه‌های مقاومت و نیز رابطه آنها با جمهوری اسلامی ایران قرار بگیریم. حاصل این گفت‌وگوی «شرق» را می‌خوانید:

**چه عواملی منجر به آغاز جنگ سوم اسراییل علیه باریکه غزه شد؟**

رژیم صهیونیستی برای حمله به ملت فلسطین هیچ نیازی به بهانه و دلیل ندارد و بهترین دلیل، فلسطینی‌بودن این ملت است و وجود فلسطینی‌ها و ثبات‌قدم آنها در سرزمین خود، بزرگ‌ترین چالش برای این رژیم است. اما این‌بار رژیم صهیونیستی عملیات گروگانگیری سه‌شهرکنشین جنانینکار صهیونیستی را که دست به اقدامات خرابکارانه می‌زدند، بهانه‌ای برای حمله به غزه قرار داد تا به ادعای خود در مناطق جنوبی فلسطین اشغالی آرامش برقرار کند. البته «بنیامین نتانیاهو»، رییس این رژیم در این جنگ برخی اهداف شخصی را نیز دنبال می‌کرد؛ چرا که او حتی در داخل حزب و ائتلاف خود با بحران روبه‌رو بود و مقامات صهیونیستی معمولاً در چنین مواقعی اقدام به فرافکنی بحران‌های خود به خارج می‌کنند. علاوه بر این، برخی مسايل ایدئولوژیکی و تندروی‌های نتانیاهو نیز در آغاز این جنگ علیه غزه دخیل بودند. به‌عنظر من در آغاز این جنگ، اهداف بزرگی مانند خلع‌سراج مقاومت یا حمله زمینی گسترده به غزه مدنظر مقامات صهیونیستی نبود، بلکه واکنش شدید و فراتر از حد انتظار مقاومت باعث شد که ارتش صهیونیستی مجبور به گسترش دامنه جنگ شود، اما همان‌طوری که در نهایت نیز دیدیم عملیاتی که از قبل به‌خوبی طراحی نشده بود، در عمل نیز با موفقیتی همراه نشد.

**قدرت موشکی گروه‌های مقاومت فلسطین، اسراییل را شگفت‌زده کرد. مقاومت چطور در شرایط محاصره، اعمال فشار و کمبود امکانات توانسته است به چنین قدرت موشکی‌ای دست پیدا کند؟**

بله، درست است. گزارش‌ها حاکی از این است که رژیم صهیونیستی با همان تفکر جنگ سال‌۲۰۱۲ وارد این جنگ شده بود و انتظار داشت تسلیحات و تاکتیک‌های مورداستفاده همان تاکتیک‌های قبلی باشد، اما عملکرد مقاومت تا حد زیادی پیشرفت کرده است و می‌تواند با مهارت عالی از تسلیحات موشکی استفاده کند. علاوه بر این، مقاومت در جریان این جنگ موشک‌های جدیدی را از لحاظ قدرت تخریب و برد و دقت رونمایی کرد؛ به‌طوری‌که برخی موشک‌ها به مرزهای شهر «نتانیا» در بیش از صدکیلومتری مرزهای غزه رسیدند. برد برخی موشک‌های شلیک‌شده در این جنگ ۲۵کیلومتر، برخی دیگر صد و تعدادی نیز ۱۲۰کیلومتر بود و حتی از موشک‌های با برد ۱۶۰کیلومتر نیز استفاده شد و به‌نظر من مقاومت به موشک‌هایی با برد ۱۸۰کیلومتر نیز دست یافته است.

البته شاید دستیابی برخی کشورها به موشک کار سختی نباشد، اما توانایی تصمیم سیاسی برای شلیک چنین موشک‌هایی به فراتر از «خطوط قرمز» اسراییل کار ساده‌ای نیست که مقاومت با تصمیم جسورانه رهبران خود این کار را انجام داد. از سوی دیگر، تداوم شلیک این موشک‌ها در شرایط نظامی سخت و در باریکه غزای که هواپیماهای صهیونیستی به‌صورت ۲۴ساعته آن را زیرنظر دارند، کار ساده‌ای نبود. این عملکرد مقاومت و پیشرفت‌های آن باعث تعجب و شگفتی تمامی طرف‌ها شد و من مطمئن هستم هر گونه رجز جنگی در آینده صحنه بروز ابتکارات جدید مقاومت خواهد بود. این مساله ناشی از پیشرفت عملی و حرفه‌ای‌گری گروه‌های مقاومت و مهم‌تر از همه، ایمان و اراده مبارزان است.

**آیا مقاومت این موشک‌ها را خودش می‌سازد یا از خارج وارد می‌کند؟**

گروه‌های فلسطینی از مدت‌ها قبل کار تولید این موشک‌ها در داخل را آغاز کرده‌اند؛ هر چند در آغاز این موشک‌های ساخت داخل خیلی ساده و ابتدایی بود، اما هیچ‌کس از شکم مادرش کارشناس متولد نشده است، بلکه اطلاعات خود را از جاهای متعدد جمع‌آوری و کسب می‌کند و مساله مهم در این میان اراده درونی است. فناوری موشکی همه‌جا وجود دارد، اما بدون اراده ذاتی نمی‌توان حتی یک فروند موشک ساخت یا شلیک کرد. بی‌شک، در این میان کمک‌هایی نیز از طرف‌های دیگر دریافت می‌شود و در آغاز بسیاری از طرف‌ها و در راس آنها جنبش حزب‌الله لبنان کمک‌های علمی و تسلیحاتی می‌کرد. در عین حال، برخی موشک‌ها نیز از خارج به صورت قاچاقی وارد باریکه غزه می‌شد، اما در حال حاضر بخش اعظم موشک‌ها در داخل ساخته می‌شود.